

## چه می توان کرد؟

امیرجوهری لنگرودی

amirjavaheri@yahoo.com

ژانویه ۲۰۱۴



دزدی آشکار از جیب مزد و حقوق بگیران یعنی همه کارگران و بازنشستگان سراسر کشور، چه می توان کرد؟ درحالیکه دزدان و غارتگران اموال کارگران بر اساس سازمان تامین اجتماعی راست راست می گردند، فعالان کارگری مرتب اخراج، بازداشت، به دستگاه قضایی سپرده شده و قرار وثیقه های میلیونی صادر می کنند و زندانی می شوند. رضا شهبانی در ناگوارترین وضعیت ممکن بسر میبرد. محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی همه و همه در دوران اجبار زندان سر می کنند. حبس های طولانی مدت تعزیری برای افشین ندیمی و مهرداد صبوری تراشیده اند. احضار مجدد شهنواز سگوند همسر علی نجاتی فعال کارگری سندیکای نیشکر هفت تپه، ادامه اخراج ها در سقز - سنندج - و ایست بالا بلند بیکارسازی ها و عدم دریافت حقوق های معوقه در برابر چشمان ما قرار دارند. رسانه های خبری درون کشور، بدل به جولانگاه همین دزدان شده و فعالان کارگران محروم از خبررسانی اند. درحالیکه بابک زنجانی و چند تنی رادر همدستی با او بازداشت کرده اند. تقریباً روزی نیست که شاهد رونمایی سعید مرتضوی از این روزنامه به آن روزنامه و از این هفته نامه به آن هفته نامه و رسانه خبری نباشیم.

برای همگان روشن است در شرایطی که ۴ سال از زمان تاسیس «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی» می گذشت. آنروز که محمود احمدی نژاد به عنوان نهمین رئیس جمهور ایران انتخاب شد و در همان ماه های نخست حضور خود در پاستور اعلام کرد: «که قصد تغییر ساختار تشکیلات و کوتاه تر شدن فاصله زمانی نشست های ستاد را دارد اما این وعده رئیس جمهور محقق نشد و وقفه ها در جلسات به ۲ ماه یکبار و حتی بیشتر هم رسید.» در تجدید عمر همان دولت در دوره دهم نیز، این ستاد در شرایطی فعالیت خود را آغاز کرد که تغییری در نحوه برگزاری نشست های این تشکیلات عریض و الطویل مبارزه با مفاسد اقتصادی

رخ نداد و محمدرضا رحیمی رئیس جدید این ستاد نیز نتوانست جدیت و نظم را در برگزاری جلسات این ستاد حاکم کند. بلکه خود به یکی از رشوه بگیران باج دهی سعید مرتضوی از جیب کارگران بدل شد.

جلسات ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی در فاصله نزدیک یک دهه از میان سال های ۸۴ تا ۹۲ برگزار می شد که رئیس جمهور سابق بارها اعلام کرده بود که فهرستی از مفسدان اقتصادی در جیب وی قرار دارد.

احمدی نژاد همواره از عزم جدی دولت برای مقابله با مفاسد اقتصادی سخن می گفت و در نخستین موضع گیری خود اعلام کرد: «که عدالت در توزیع فرصت ها و امکانات، تخصیص منابع برای مناطق مختلف به نسبت محرومیت ها و استعدادها و ظرفیت ها، رفع فقر و مبارزه با تبعیض و فساد در سازمان اداری سرلوحه اقدامات دولت خواهد بود.» همچنین «مبارزه با رانت خواری، فساد مالی، برخورد با متجاوزان به بیت المال، مقابله با اشرافی گری، فساد مدیریتی و اداری و وعده قطع واردات خودروهای لوکس...» از جمله وعده هایی بود که محمود احمدی نژاد در سخنان متعدد خود آنها را مطرح می کرد.

احمدی نژاد در آبان سال ۸۴ در مجلس اعلام کرد: «که فهرست بلندی از نام کسانی که به بیت المال دست درازی کرده اند در جیب کتم موجود است و می خواستم به این فهرست اشاره کنم اما برخی دوستان شفیق گفتند از این کار بگذر و کار خود را انجام بده ما نیز توصیه دوستان شفیق را پذیرفتیم.» وی همچنین در شهریور ۹۱ درباره لیست مفسدانی که در اختیار دارد گفت: «که من یکسری اسامی برای رسیدگی به قوه قضاییه داده ام. اسامی ای که احمدی نژاد می گفت ۶۰ درصد پول کشور را در دست دارند.»

احمدی نژاد در شرایطی در آخرین مصاحبه خود اعلام کرد که من اطمینان می دهم این دولت پاکترین دولت تاریخ کشور است که فضای اقتصادی کشور در سال های ۸۴ تا ۹۲ حاشیه های زیادی را در زمینه فساد و چپاول اقتصادی تجربه کرد که از مهم ترین آنها می توان به اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی اشاره کرد. همچنین پرونده «محمدرضا رحیمی»، معاون اول دولت احمدی نژاد، در رابطه با پرونده بیمه ایران، و یا اتهامات اخیر مالی رحیمی در پرونده فساد مالی سازمان تامین اجتماعی در مورد دریافت کارت هدیه از سعید مرتضوی رییس وقت سازمان تامین اجتماعی و متهم ردیف اول جنایت کهریزک نیز مورد اتهام قرار گرفته است.

در حالی که فضای داخلی کشور درگیر گزارش تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی بود رسانه های ترکیه از دستگیری رضا ضراب تاجر معروف ایرانی، همدست بابک زنجانی، به جرم پولشویی در ترکیه خبر دادند که این موضوع گزارش تحقیق و تفحص را به حاشیه برد و بسیاری به دنبال به دست آوردن جزئیاتی از فعالیت های این تاجر و همچنین روابط وی با برخی افراد در داخل کشور هستند. در نظام جمهوری اسلامی و در هیچ دروه ای ایجاد کارگروها و ستاد های تحقیق و تفحص به نتیجه مطلوب نرسید. دعوی بین دو گروه جانبداران تحقیق و تفحص در مجلس (علیرضا محجوب و ....) از یکطرف و دزدان سرگردنه (سعید مرتضوی و بابک زنجانی و...) از طرف دیگر، دعوی بین محرومین و مال باختگان نیست. بلکه نشان از تسویه حساب هایی می برد که برای از میدان بدر کردن هم کشیده و دنبال سازماندهی ایجاد کارگروه های همچنان در حال تفحص اند. کمیسیون های تحقیق و تفحص آن نیز ره به جایی نمی برند. رو آمدن این پرونده های دزدی های بی حساب نجومی نشان می دهد که چه نیروها و چه افرادی اموال عمومی کشور را به نام دور زدن تحریم ها بالا کشیده اند. این فساد فراگیر و غارت سرگیجه آور، مختص یک باند و یک جناح در حکومت اسلامی نیست. در کشوری که بی قانونی حاکم است و حاکمان کشور به هیچ بنی بشری پاسخگو نیستند و هر بار که گند ماجراهای این چنینی بالا می زند، برای حفظ مصلحت نظام بلافاصله از «پائین کشیدن فتیله» سخن می گویند. از اینرو نمی توان امید به اصلاحی در کار داشت. در

کشوری که اکثریت نمایندگان مجلس اش را یک فرد با پول شصت ساله صندوق تامین اجتماعی، که حاصل عرق جبین کارگران است، می خرد. در کشوری که مطبوعات و رسانه های آزاد و آزادی تشکل های مستقل و محلی برای اعتصاب و اعتراض و تجمعات سازمان یافته نیست. تنها برای مقابله با این فساد فراگیر، باید که افکار عمومی مردم را به کمک طلبید. بیگمان برای بیرون آمدن از مرداب بی چیزی، بی حقی و بی عدالتی که دست و پای کارگران را بسته و همه دارایی و اندوخته های آنان در صندوق تامین اجتماعی را به تاراج برده اند. کارگران بیش از هر موقع و برای رهایی از چنین وضعیت مشقت باری به عزم همگانی نیازمندند.

چه می توان کرد؟ امروز همه جامعه آزادیخواهی ایران اعم از اقتصاددانان، حقوقدانان، روزنامه نگاران، وبلاگ نویسان، استادان، دانشجویان، فعالان عرصه زنان، خانواده های اعدامیان و مادران جانبختگان جنبش ضد استبدادی خرداد ۸۸ (مادران پارک لاله)، طرفداران حقوق بشر و محیط زیست، لگام جنبش نفی اعدام، فعالان رفع ستم ملی، تشکل ها و نهادهای مستقل کارگری، تکنسین ها، شاعران، نویسندگان، هنرمندان، سینماگران، خانواده تاتر، نقاشی و طراحی و... یعنی همه اهالی آزاد اندیشی و حرمت قلم و اندیشه و هر آن گروهی که به هر سطحی از مدنیت و آزادی می اندیشند، می بایست در برابر این تاراج گران به صف شوند و به نیروی رنج و کار جامعه یاری رسانند و برای بازگرداندن پول های به تاراج رفته به صندوق تامین اجتماعی لحظه ای از پای ننشینند. باید ابعاد این فساد نهادینه شده در سیستم حکومتی کشور را افشاء کرد و باید که کارگران و صاحبان اصلی کشور به اشکال گوناگون دست به اعتراض بزنند و از هر طریقی که مقدور است خشم و نارضایتی خود را بیان کنند تا امکان سازمانیابی مردمی فراهم آید. کارگران می توانند با طرح ضرورت ایجاد کمیته های نظارت بر کار «سازمان تامین اجتماعی» خواهان دخالت خود در اداره امور این سازمان عریض و طویل و میلیونی شوند که با پول آنها ساخته شده است. کارکنان و کارمندانی که در بخش های گوناگون شاهد این دزدی ها و حیف و میل ها هستند، می تواند به اشکال گوناگون در افشای آن ها نقش ایفا کنند و با ایجاد همبستگی های اولیه راه را برای متشکل شدن نیروی خود هموار سازند. شوک های ناشی از فساد مالی آفتی است که در جامعه ما باقی خواهد ماند تا زمانی که ویژه خواری در این کشور ریشه کن نشده و حساب پذیری از جانب مردم نهادینه نشود. ما شاهد و ناظر چپاول و دزدی های بیشتری خواهیم شد. تمامی این مسیرها باید این هدف را دنبال کنند که مردم متشکل شوند و امکان اعتراض جمعی را بیابند تا بتوانند بصورتی سازمان یافته، متشکل و سراسری در برابر این حکومت سراسر فساد جلوه سازمان یافته یافتگی خود را از پاهین به نمایش بگذارند و این مهم فراهم نمی گردد. مگر آنگاه که متحد شویم و سازمان یابیم!